

نقش والدین و مجریان تعلیم و تربیت در کاهش مسائل تربیتی

حبیب الله هاشمی^۱

^۱ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری - کتابخانه ای است که با توجه به نظرات اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه گردآوری و نگاشته شده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی نقش والدین و مجریان تعلیم و تربیت در کاهش مسائل تربیتی است که نتیجه این مقاله نشان می دهد که والدین و مجریان تعلیم و تربیت تأثیری زیادی بر مسائل تربیتی دانش آموزان دارند که با توجه به اهمیت موضوع مورد بحث باید این مهم مد نظر والدین و مجریان قرار بگیرد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزند.

واژه های کلیدی: والدین، مجریان تعلیم و تربیت، مسائل تربیتی

مقدمه

همان طور که می دانیم مدرسه به عنوان سازمانی که مسئولیت تربیت فرزندان جامعه را بر عهده دارد باید با روشنگری و روشن بینی علل و راههای حل مشکلات را شناسایی و با آنها به نحو تخصصی برخورد نماید. صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این عقیده اند که والدین با همکاری و کمک به معلمان در زمینه پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می توانند بسیار مؤثر واقع شوند. این مسئله بخصوص در دوره ابتدایی بسیار حائز اهمیت است. تحقیقات متعدد نشان می دهد پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که والدین آنها افرادی آگاه و با سواد هستند و بهتر به راهنمایی آنها می پردازند بیشتر است. در تحقیقی که بوسیله بی لتیل و همکارانش (۱۹۷۳) انجام شده است، تفاوت دانش آموزان از لحاظ سن « سطح تحصیلات والدین و ثبات و پایداری خانوادگی آنها » مورد بررسی قرار گرفته است. محققان به این نتیجه رسیده اند که والدین با سواد و خانواده با ثبات « کودکانی با پیشرفت تحصیلی بیشتر » دارند. تحقیق دیگری که توسط الیزابت بنیک در زمینه تاثیر روشهای تربیتی در رشد استعداد های متفاوت عقلانی انجام شده است. نشان می دهد مادرانی که از نظر کلامی قوی تر هستند و موقعیتهای بهتر یا محرکهای کلامی بیشتری برای فرزندان خود فراهم می کنند. مثلاً به فرزندان شان فرصت می دهند که در بحثهای خانوادگی شرکت کنند و بندرت آنها را به دلیل ضعف تکلم تنبیه می کنند برای فرزندان خود کتاب داستان بیشتری می خردند و برای کمبود پیشرفت در مدرسه دانش آموزان را بطور سازنده مورد انتقاد قرار می دهند فرزندان آنها پیشرفت بیشتری دارند.

بیان مسئله

از آنجایی که مدرسه سازمانی است که مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت فرزندان هر جامعه ای را بر عهده دارد و زندگی در جامعه کنونی بدون تعلیم و تربیت عمومی غیر ممکن می باشد و بخصوص اینکه پدران و مادران بدلیل مشغله فراوان و یا بدلیل اعتمادی که نسبت به مدارس احساس می کنند بیشترین مسئولیت را بر دوش مدرسه می اندازند. لذا مشکلات مدارس در این امر مهم صد چندان می شود تا آنجایی که حتی خانواده ها در بسیاری از موارد از فرزندان خود به مدارس شکایت می برند و از نحوه رفتار فرزندان خود گلایه می کنند.

مشکلات درسی و آموزشی و تربیتی و اخلاقی متأسفانه با تمام جدیتی که دست اندر کاران تعلیم و تربیت پیش گرفته اند روز بروز بیشتر می شود. تبلیغات ضد فرهنگی که به عناوین و شکلهای مختلف خود را جلوه گر می سازند از طرفی « تمایل بشر به اطاعت از نفس اماره و جنبه منفی گرایی وی » ما را هشدار می دهد اگر چنانچه بی تفاوت باشیم بهای سنگینی را متحمل خواهیم شد که چه بسا از عهده آن بر نیائیم.

هدف از این تحقیق این است که با همکاری والدین بتوانیم در مدارس محیطی سالم را بوجود آوریم و با شناخت بیشتر دانش آموزان و ایجاد هماهنگی بین خانه و مدرسه در جهت رفع مشکلات آنان بکوشیم.

در تحقیقی که در زمینه روشهای تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط ریموند کتل و دیامن بارتن (۱۹۷۲) انجام شده است که هدف این تحقیق بررسی این نکته بوده که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان مؤثر است یا نه؟ نتیجه کلی این بود که اولاً: رفتار والدین با فرزند در قدرتهای شناختی از جمله پیشرفت تحصیلی مؤثر است، این تاثیر در همه درسها وجود داشته است. ثانیاً: سختگیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان موجب عقب ماندگی تحصیلی می شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

دنایای امروز با دنیای دیروز بسیار فرق کرده است و مسائل تربیتی و اخلاقی جدیدی پا به جهان نموده اند و بسیاری از مسائل تربیتی و اخلاقی قدیم نیز لمبلی جدید به خود گرفته اند؛ لذا همه ی این موارد می طلبد که همبستگی مدارس و مجریان امر آموزش با والدین بیشتر شود و والدین نیز سهم بیشتر را در آموزش و تربیت فرزندان خود برعهده بگیرند. در واقع لازم است که والدین تعهد بیشتری در قبال فرزندان خود داشته باشند و فقط آموزش و تربیت را به مدرسه نسپارند.

ویدا و سون (۱۹۵۱) که با کودکان چهارتا چهار ده ساله در دو مؤسسه آلمانی مخصوص نگهداری کودکان بی سرپرست کار می کرد متوجه شد که در طول شش ماه با وجود یکسانی مقدار و نوع تغذیه، افزایش وزن یک گروه از کودکان در مدت شش ماه تقریباً سه برابر گروه دیگر بوده است با تغییر و جابجایی مسئولین نظارت و کنترل دو مؤسسه این وضع معکوس شد. آنجا که تفاوت‌های آشکار بین دو موقعیت نگهداری و نظارت معلول تدابیر و خط مشی های رفتاری سخت گیرانه بود ویداسون نتیجه گرفت که ترس کودکان و نحوه رفتار مربیان سبب اختلاف وزن و رشد آنها بوده است. (مفیدی، فرخنده، ۱۳۷۲) از نتایج این تحقیق چنین برمی آید که اگر چنانکه در محیط های آموزشی مدیران و مربیان با دانش آموزان رفتاری محبت آمیز داشته باشند می توانند محیطی جذاب و دلپذیر را برای آنان مهیا کنند و لذا این زمانی بهتر عمل می شود که شناخت بیشتری را نسبت دانش آموزان داشته باشند و اما شناخت کامل کودکان و نوجوانان بدون همکاری والدین کاری بس مشکل و حتی غیر ممکن است.

کارکرد خانواده در قبال فرزندان

کارکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط و چگونگی تصمیم گیریها و حل مسائل اعضای خانواده اطلاق می شود (سیلبورن ۰ و همکاران، ۲۰۰۶).

بی توجهی به کارکرد های خانواده نوعی عدم تعادل ایجاد می کند که در پی آن خانواده دچار بحران می شود (احمدی، ۱۳۸۶). در واقع، ریشه بسیاری از آسیب های اجتماعی و دشواری های ارتقای سلامت جامعه به نوعی در ارتباط تنگاتنگ با کارکرد و عدم سلامت نهاد خانواده است. تعارض شخصیت افراد، اختلال در رفتارهای فردی و اجتماعی، جرم، افت تحصیلی، گریز از خانه و مدرسه، خشونت، اعتیادهای سنتی و مدرن، خودکشی و طلاق، فسادهای اخلاقی، رفتارهای ناسالم جنسی و ... همگی ریشه در فضای ناسالم و آشفته فرهنگی - تربیتی خانواده دارد (علم الهدایی، ۱۳۸۶).

با توجه به تغییرات و پیچیدگی روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، لزوم برخورداری افراد به ویژه والدین از مهارت های زندگی برای رویارویی مؤثر با نیازها و چالش های زندگی روزمره امری ضروری به نظر می رسد. بسیاری از زوجها به دلیل همدل نبودن با یکدیگر، نداشتن ارتباط مؤثر با هم و نپذیرفتن تفاوت‌هایشان، قادر به ادامه زندگی با همدیگر نیستند (علم الهدایی، ۱۳۸۶).

این در حالی است که یکی از ویژگیهای اساسی خانواده که در تعریف کاربردی به آن اشاره شده عبارت است از "کانونی برای تعامل، تربیت و آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان" (احمدی، ۱۳۸۶)

کارکرد خانواده جنبه مهم محیط خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان را تحت تأثیر قرار می دهد. در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی کارکرد آن می تواند عاملی کلیدی در ایجاد انعطاف پذیری و کاهش خطرات فعلی و بعدی مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط‌های خانوادگی برانگیزاننده و پرورش دهنده، فرزندان را قادر می سازد که یاد بگیرند و پیشرفت کنند، در حالی که محیط های خانوادگی ناکارآمد می توانند برای بسیاری از جنبه های رشد فرزندان و انتقال مثبت آنان به بزرگسالی بسیار مضر باشند (سیلبورن و همکاران، ۲۰۰۶).

در رویکرد سیستمی، کارکرد خانواده همچون پدیده ای رشد یابنده در نظر گرفته می شود که بستگی به ساختار رشدی و اجتماعی خانواده دارد. مطابق این رویکرد، کارکرد خانواده مستلزم انسجام بخشیدن و نگهداری موجودیت خانواده و توانایی آن برای انجام دادن وظایف اساسی به منظور رشد و رفاه اعضای خانواده است. خانواده ارزشه ای خود را تکامل می دهد و انتظارات در مورد نقش ها و قوانین ارتباطی را فراهم می کند. رویکرد سیستمی، خانواده را سیستمی با تعاملات مداوم میان زیر سیستم های فردی، و در همان زمان مانند یک زیر مجموعه در محیط خود در نظر می گیرد (موسوی، ۱۳۸۲).

با توجه به اینکه روابط و کارکرد مناسب خانوادگی برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است و با در نظر گرفتن روابط والد-فرزندی و شناخت آن به منزله یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین روابطی که افراد می توانند تجربه کنند و نیز عاملی مؤثر و مداخله گر در کیفیت عملکردهای تحصیلی فرزندان به شمار می رود (واکر و شفر، ۲۰۰۶).

کارکردهای مجریان تعلیم و تربیت

وجود روابط انسانی در محیط آموزشی، به ویژه در مدارس باعث افزایش روحیه معلمان می شود. معلمان از ارکان اصلی مدرسه هستند. الگوی رفتاری مناسب معلمان در قبال دانش آموزان عبارتند از: رفتار دوستانه، ارتباط متقابل، کمک به دانش آموزان، تعریف و تمجید دانش آموزان، راهنمایی و هدایت دانش آموزان، نشان دادن مسائل تربیتی و اخلاقی درست و همچنین معلم نقشی مهم به عنوان ارزیابی کننده از دانش آموزان بر عهده دارد. همچنین معلم توانایی دگرگونی دانش آموز را نیز برعهده دارد.

آلباز لویچ (۲۰۰۱) می گوید "اگر می خواهیم شاگردان خود را درک کنیم در ابتدا نیاز داریم که خودمان را به عنوان معلم درک کنیم". معلمان تلاش می کنند تا در کلاس درس موجب موفقیت دانش آموزان خود شوند، این امر مستلزم عقاید گوناگون است. معلمان کارآمد تفکر خلاق را در دانش آموزان پرورش می دهند و با این مهم مسائل تربیتی و اخلاقی را راهنما می شوند. معلم باید رفتار خود را به گونه ای انجام دهد که دانش آموز او را به عنوان یک الگو در نظر بگیرد. معلم باید با تخصصی که دارد دانش آموزان را به سوی اهداف آموزشی سوق دهد. یکی از این اهداف آموزشی مسائل تربیتی و اخلاقی است که معلم با روش هایی که در اختیار دارد می تواند در این راه گام اساسی بردارد و دانش آموزان را به سوی آن سوق دهد.

نتیجه گیری

با توجه به مسایل فوق الذکر می توان این گونه استنتاج کرد که والدین و مجریان امر تعلیم و تربیت نقشی اساسی در کاهش مسائل تربیتی دارند. اگر والدین بتوانند تعارضات داخل خانه را کنترل کنند و رابطه ای صمیمانه تری با فرزندان خود داشته باشند به تبع آن؛ مشکلات تربیتی و اخلاقی فرزندان آنها کمتر خواهد شد زیرا از سویی فرزندان نیز از والدین خود الگو برداری می کنند.

همچنین مجریان امر تعلیم و تربیت اگر رابطه ای بهتر و صمیمانه تر با والدین برقرار کنند و آگاهی والدین مبنی بر مسئولیت خطیر آنها در قبال فرزندان خود را بیشتر کنند به تبع آن، اولیا نیز حساس تر گشته و مسائل تربیتی فرزندان خود را با جدیت بیشتر دنبال خواهند کرد.

نتایج پژوهش شمعی زاده و احمدی (۱۳۸۷) نیز نشان داده است که آموزش منظم به والدین بر روابط متقابل و خرده مقیاس های روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت داشته است.

نتایج پژوهش گیلبرت و اورلیک (۱۹۹۶) هم نشان داده است که مهارت های زندگی سبب بهبود مهارت های اجتماعی، افزایش سازگاری در خانواده، رضایت از سیستم خانوادگی و افزایش مهارتهای مقابله ای شده است (به نقل از نیک پرور و عربستانی، ۱۳۸۴).

از سویی، محیط خانواده نخستین محیطی است که توانمندی های جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی ریزی می شود و نقشی مهم در تعالی و پیشرفت فرد دارد. مطابق نظر سازمان جهانی بهداشت، کسب دانش در زمینه مهارت های زندگی و تمرین آنها، افراد را قادر می سازد تا ارزشها، نگرشها و دانستنی های خود را به توانمندی ها تبدیل کنند، و این توانمندی هاست که علاوه بر ترغیب افراد به داشتن انگیزه مثبت و رفتار سالم، بر ادراک آنها از کفایت خود و اعتماد به نفس شان اثر گذاشته و موجب ارتقای سطح سلامت روان و پیشگیری از مشکلات بهداشتی می شود (یاراحمدیان، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که تجارب خانوادگی، فضای فرهنگی و تربیتی خانه و معیارها و ارزش‌هایی که پدران و مادران در خانه برقرار می‌کنند تأثیری ژرف بر ارتقای توانمندی‌های فرزندان در طول دوره نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباط‌های خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی نوجوان مانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شماعی زاده و احمدی، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، مسائل و مشکلات خانواده می‌تواند به شکست در تحصیل و تعلیم و تربیت منجر شود (واکر و شفر، ۲۰۰۶). یافته‌های پژوهش زاده محمدی و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان با جو خانوادگی ناکارآمد از نظر عملکرد تحصیلی وضعیت بدی دارند.

علاوه بر این، محسنی (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داده است که از نظر دانش‌آموزان خانواده مهمترین عاملی است که در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است به طوری که در حدود ۲۰ درصد از دختران و ۷۱ درصد از پسران افت تحصیلی خود را ناشی از عوامل مربوط به خانواده خود می‌دانستند. به گفته نازک تبار (۱۳۸۳) "میزان موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف آموزش از قبل تعیین شده را می‌توان به منزله پیشرفت تحصیلی تعریف کرد که نمی‌توان این مسئله را بدون توجه به کارکرد خانواده مورد بررسی قرار داد و جهت افزایش و بهبود کیفیت و کمیت آن برنامه ریزی کرد."

بنابر آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن روابط والد-فرزندی و شناخت آن به منزله یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روابطی که افراد می‌توانند تجربه کنند و نیز به منزله عاملی مؤثر و مداخله‌گر در کیفیت مسائل تربیتی فرزندان، والدین می‌توانند با کسب دانش در زمینه مهارت‌های زندگی و انتقال آن به فرزندان خود، ضمن تأثیر مثبت در رشد و شخصیت آنان، کارکرد خانواده و عملکرد تربیتی فرزندان را بهبود بخشند.

منابع

- احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۶). روان‌شناسی روابط درون خانواده. چاپ چهارم. تهران: انتشارات مهدی رضایی.
- شماعی زاده، پروین و احمدی، سید احمد. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش منظم به والدین بر روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان. نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، واحد خوراسگان. (اصفهان)، شماره هفدهم، ۱۸۶-۱۶۵.
- علم‌الهدایی، سید حسن. (۱۳۸۶). مهارت‌های خوب زندگی کردن. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
- محسنی، اکرم. (۱۳۸۹). آموزش مهارت‌های زندگی نیاز امروز جامعه بشری. نشریه اطلاعات.
- موسوی، اشرف السادات. (۱۳۸۴). بررسی کیفی و کمی عملکرد خانواده معتادان جوان. فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات زنان. دانشگاه الزهراء، شماره ۳، ۶۴-۵۹.
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۵). آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. تهران: پیام نور.
- نیک‌پرور، ریحانه و عربستانی، مهرداد. (۱۳۸۴). طرح ارزشیابی برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی در پایه چهارم و پنجم دبستان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی.

Silburn, S., Zubrick, S.R., De Maio, J.A., Shepherd, C., Griffin, J.A., & Mitrou, F.G., ... & Pearson, G. (۲۰۰۶). *The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the capacity of aboriginal children, families and communities*. Perth: Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research.

Walker, R., & Shepherd, C. (۲۰۰۶). *Strengthening aboriginal family functioning: What works and why?* Kulunga Research Network, Telethon Institute for Child Health Research, Australian Family Relationships Clearing House briefing No. ۷. Melbourne, Australian Institute of Family Studies.